

مهاجران و سرقت‌های مسلحانه

عبدالحسین خلعتبری
عضو هیئت علمی دانشگاه علوم انتظامی

چکیده

مقوله مهاجران در کلان شهرها، به یکی از بحران‌های موجود و تأثیرگذار در امنیت اجتماعی و اقتصادی کشورها، مبدل شده است. هر ساله میزان جمعیت و سهم آنان در بروز ناامنی‌ها که برگرفته از فاصله نامتناسب و ناهمگون توسعه اقتصادی، فرهنگی، علمی، آموزشی، رفاهی و ... میان شهرهای بزرگ با شهرهای کوچک و به دور از مراکز قدرت و ثروت می‌باشد، رو به فزونی است. این جمعیت عمدتاً که به جهت ناچاری و انواع محرومیت‌ها به سمت شهرهای بزرگ مهاجرت می‌نمایند، به زندگی در حاشیه و اکناف شهرهایی همچون تهران بزرگ روی می‌آورند و در این رهگذر با آثار مفرط خستگی ناشی از دوری زادگاه، قوم خویش، محرومیت‌های سنگین، نظاره‌گر وضعیت‌های سطوح زندگی با شهرنشینان شده و سهم خود را در تحقق انتظارات، ناچیز و آمال‌شان را عقیم و دست نیافتنی می‌بینند و این سبب می‌شود تا مکانیسم فکرشان مختلف و روانشان ناآرام و مستعد ورود و گرایش به بزه و بزهکاری گردد (دانش، ۱۳۷۲: ۱ تا ۳ و ۲۷۳ تا ۲۸۴).

این مقاله بر آن است تا با تبیین علمی رابطه مهاجران و سرقت‌های مسلحانه به عنوان یک جرم خشن در تهران بزرگ، به این سوال‌ها پاسخ دهد که آیا مهاجران در سرقت‌های مسلحانه تهران بزرگ، نقش مؤثری دارند یا خیر؟ و یا چرا و در چگونه بافت قومی و فرهنگی و محیط جغرافیای و اقلیمی، در روحیه پرخاشگری مهاجران در ارتکاب سرقت‌های مسلحانه، تأثیرگذار است؟ پس از تبیین این مهم، به چگونگی روابط پنهان بهره‌هوشی و امکان دسترسی به سلاح در گرایش آنان به سرقت‌های مسلحانه و بروز جنبه‌های منفی مهاجرت و آثار مخرب آن در امنیت اجتماعی و اقتصادی اشاره می‌شود.

کلید واژه‌ها

سرقت‌های مسلحانه (Armed robbery)، مهاجرت (migrate)، حالت‌های خطرناک (dangerous maner)، امنیت (security)

مقدمه

توجه به تأثیر پدیده‌های جمعی و کنش‌های متقابل اجتماعی در رفتار آدمی، موضوعی نیست که انسان قرن بیست و یکم به آن پی برده باشد، بلکه از آن زمان که انسان به هستی اجتماعی خود آگاهی یافته، همواره کوشیده است تا مناسبت‌ها و پیوندهای اجتماعی خود با دیگران را بررسی و تعیین کند. اما کمتر از یک قرن است که انسان روش‌های علمی و تجربی را در شناخت و تبیین پیوندهای اجتماعی به کار گرفته و نابسامانی‌ها و آسیب‌های اجتماعی را که دست‌آورد خود اوست مورد تجزیه و تحلیل قرار داده است. آدمیان این نابسامانی‌ها را به عنوان ریشه‌های اصلی بزهکاری، باید در کل حیات اجتماعی و نوع خاص روابط انسانی جستجو کنند.

انواع نابسامانی‌های اقتصادی - اجتماعی از قبیل فقر، تورم، بیکاری، فقدان امنیت مالی و حقوقی و سایر عوامل که باعث «محرومیت» می‌شوند، زمینه مساعد را برای ارتکاب جرم فراهم می‌کنند (فرجاد، ۱۳۷۶: ۱۹۵ تا ۲۰۸). از طرف دیگر ماهیت ارزش‌ها و ضوابط فرهنگی حاکم بر جامعه که همبستگی گروهی و صبر و تحمل فردی را تشویق می‌کنند و یا بر موفقیت مادی و منافع فردی تأثیر می‌گذارند، انگیزه‌های لازم را برای زیستن در حریم قانون یا برعکس درگیری‌های مجرمانه فراهم می‌سازند. در سال‌های اخیر، به دلیل نوع سیاست‌گذاری‌ها در ساخت نظام اقتصادی کشورمان، اشتغال در شهرهای بزرگ و صنعتی را به زیان اشتغال در شهرهای کوچک و روستایی رقم زده است. از بین رفتن جاذبه‌های کشاورزی و دامپروری و درآمد اندک آن برای روستائیان که با کمبود زمین زراعی، آب و علوفه و وسایل کشاورزی مواجهند و فزونی جمعیت حاصل از زاد و ولد غیرمعارف در جامعه به ویژه در شهرهای کوچک و کم شدن فرصت‌های شغلی، موجب گسترش روند مهاجرت به شهرهای بزرگ و به وجود آمدن شهرک‌های اقماری، رواج خدمات سخت، به خصوص کار ساختمانی و امثالهم بوده است. در نتیجه آن قسمت از رشد جمعیت شهری که ناشی از مهاجرت است بر الگوی اشتغال شهری تأثیر منفی گذاشته و موجب بروز بیکاری آشکار و پنهان در شهرها شده است.

محقق در این تحقیق کوشیده است، ضمن بررسی علل گرایش افراد به سرقت‌های مسلحانه، پیامدهای مهاجرت را نیز که در افزایش بزهکاری مهاجران همراه با بروز حالت‌های خطرناک در شهرهای بزرگ همچون تهران به منزله مقصد و خاستگاه آنان، تأثیر می‌گذارد توصیف و تحلیل نماید.

به هر حال در بررسی نقش مهاجران در سرقت‌های مسلحانه تهران بزرگ در سال ۱۳۸۰، بررسی انگیزه و علل گرایش به این بزه پرداخته شده است و جداول و نمودارهای متنوعی در این زمینه جمع آوری و به تأثیرات متغیرهای تأثیرگذار توجه شده است، و با علم به اینکه موضوع تحقیق در سال ۱۳۸۰ انتخاب شده بود، طبعاً یک واقعه پس رویدادی تلقی می‌شود و برای اینکه محقق بتواند متغیرهای تأثیرگذار در وقوع

سرقت‌های مسلحانه را بهتر شناسایی و تبیین نماید، ترجیحاً از روش علی - مقایسه‌ای بهره‌جسته و بدین وصف اهتمام جدی به عمل آورده است تا مؤلفه‌های تأثیرگذار در سارقان مسلح را به عنوان بزهکاری خشن، با متغیرهای مؤثر در بزهکاران عادی به عنوان مجرمان غیرخشن ارائه و مطرح نماید.

تعریف عملیاتی واژه‌ها

۱- سرقت مسلحانه

هرگاه سارق با اسلحه، امنیت مردم یا جاده را برهم زند و رعب و وحشت ایجاد کند، سرقت مسلحانه محقق می‌گردد. همچنین اگر دو یا چند نفر با اجتماع و تباری قبلی و به انگیزه سرقت با سلاح، به بانک‌ها یا صرافی‌ها یا جواهر فروشی‌ها و به طور کلی به هر محلی که در آن وجوه نقد یا اوراق بهادار یا سایر اشیا قیمتی وجود دارد، وارد شوند به آن سرقت مسلحانه می‌گویند (قربانی، ۱۳۷۲: ۴۳۶ و ۴۳۵).

۲- مهاجرت

از جایی به جایی دیگر رفتن و در آنجا منزل کردن و دوری کردن از شهر و دیار تعریف شده است. تعریف مهاجرت از نظر حقوقی با جامعه‌شناسی متفاوت است. در این تحقیق، تعریف جامعه‌شناسی آن مورد نظر است که معنای جابه‌جایی و انتقال افراد از زادگاه خود به شهر و یا منطقه و یا کشور دیگر است (شیخاوندی، ۱۳۵۰: ۱۰۱). محقق در این تألیف به کلیه کسانی که به هر دلیل، موطن و کشور و شهر و دیار خود را ترک و در تهران بزرگ، سکونت موقت یا دائم کرده‌اند از یک روز تا نسل اول را به عنوان مهاجر اطلاق کرده است هرچند جامعه‌شناسان، نسل دوم انسان‌های مهاجر را، به‌عنوان فرزندان مهاجر تلقی می‌نمایند، لیکن در این تحقیق به انسان‌های نسل اول، اکتفا شده است.

۳- حالت‌های خطرناک

حالتی است که بر اثر اقتران عوامل جرم‌زا (عوامل فردی - عوامل اجتماعی) و تأثیر آن در یک فرد معین، او را به ارتکاب جرم می‌کشاند (دانش، ۱۳۶۸: ۳۳۵).

۴- امنیت

در معنی لغوی درامان بودن، ایمنی، بی‌ترسی و آرامش و آسودگی ایجاد کردن (دهخدا، ۱۳۷۳: ۲۱۲). در تعریف عملیاتی باید گفت واژه امنیت یک واژه کلی و عام است که در حوزه‌های متعددی همچون امنیت فکری و عقیدتی، امنیت اقتصادی، امنیت اجتماعی، امنیت سیاسی، امنیت شغلی و ... به کار می‌رود. در یک تعریف کلی می‌توان واژه امنیت را به عدم تشویش و اضطراب نسبت به تعرض در قبایل برخوردار از نوع خاصی از تفکر سیاسی، اجتماعی و ایمنی در حفظ اقتصادی و حیثیت، جان، حقوق، مسکن و همچنین احساس بی‌خوفی و آرامش خیال و فکر از تهدید و تعرض به جرم‌های شخصی و اجتماعی، تبیین کرد (امام خمینی، ۱۳۶۱، ج ۲: ۲۲۹).

مسئله و سؤال‌های تحقیق

محقق در این تحقیق به بررسی تأثیر مهاجران در سرقت‌های مسلحانه تهران بزرگ در سال ۱۳۸۰ که در ارتباط با سرقت‌های مسلحانه دستگیر، و به جرم خود اعتراف کرده‌اند و یا محکومیت یافته‌اند و یا در انتظار صدور حکم نهایی بوده‌اند، پرداخته است. برای تمایز مؤلفه‌های تأثیرگذار بر متغیرهای وابسته، سرقت مسلحانه به عنوان یک جرم قهرآمیز و خشن و شناسایی ویژگی‌های مرتکبان این نوع جرم، تلاش و آفری به عمل آمد تا با تطبیق عوامل تأثیرگذار در سارقان مسلح و قیاس آن با یک نوع جرم دیگری که حایز خشونت نباشد، چهره و نما و علل موجد این دو جرم را به تصویر بکشد. برای این منظور علل تأثیرگذار به روش علی-مقایسه‌ای بررسی شد و در این طریق اهتمام وافی به عمل آمد تا به مسئله تحقیق که عبارت بود از:

«نقش مهاجران در وقوع سرقت مسلحانه تهران بزرگ در سال ۱۳۸۰ چه میزان است؟» و به سؤال‌های فرعی دیگری که پیش روی محققان قرار داشت و شامل موارد زیر بود، پاسخ دهد.

- ۱- آیا مهاجران در سرقت‌های مسلحانه تهران بزرگ نقش مؤثری دارند؟
 - ۲- آیا بافت قومی و فرهنگی در گرایش افراد به سرقت‌های مسلحانه تأثیر دارند؟
 - ۳- آیا محیط جغرافیایی و اقلیمی در خلق روحیه خشونت با به‌کارگیری سلاح در سرقت‌ها نقش دارند؟
 - ۴- آیا دسترسی به سلاح موجب گرایش به سرقت‌های مسلحانه می‌شود؟
 - ۵- آیا بین گمنامی و سرقت مسلحانه ارتباط وجود دارد؟
 - ۶- آیا طراز پایین هوشی در گرایش افراد به سرقت‌های مسلحانه نقش دارد؟
- آنچه که به عنوان دلیل اصلی باعث شد تا نگارنده موضوع مزبور را برای تحقیق انتخاب نماید؛ گذران بیش از ۱۵ سال از سنوات خدمتی در مبارزه با بزهکاری مسلح در تهران بزرگ بوده است. مجال به وجود آمده بهترین فرصتی بود که محقق باورها و تجارب خود را با باورهای علمی به بوته آزمون نهد و علاوه بر آن کنش غیرعادی و خشونت بار سارقان مسلح که با اعمال خود، فضای امنیتی تهران بزرگ را هر چندگاه سست می‌کردند از طریق شناسایی علل گرایش آنان در تحقق این‌گونه جرایم، کشف نماید و با مقایسه آن با گرایش مهاجران به یک جرم غیر خشن، مانند جرم کلاهبرداری - که به روش تصادفی در بین جرایم غیر خشونت آمیز گزینش شده بود - تلاش گردید تا پاسخ‌های علمی و منطقی به سؤال‌های مفروض داده شود.

ادبیات تحقیق (مبانی نظری)

دیدگاه روان‌شناسی جنایی

روان‌شناسی جنایی، علم مطالعه شخصیت تبه‌کار و شناخت علل و انگیزه‌های و نیز شیوه‌های جامعه‌پذیری و تجربه‌های کودکی و محیط زندگی تبه‌کار و نقش ناخودآگاه

او در ارتکاب تبهکاری است.

«بارتل» (۱۹۹۵) روان‌شناس مشهور آمریکایی می‌گوید: «روان‌شناسی جنایی را می‌توان مطالعه علمی رفتار جنایی و فرآیندهای ذهنی که در ارتکاب جرم نقش دارند تعریف کرد». وی رفتار مخالف با قوانین متعارف جامعه را «رفتار جنایی» نامیده است (کریمی، ۱۳۷۹: ۲۱۵).

دیدگاه روان‌شناسی جنایی در بروز رفتار مجرمانه

الف) مطالعه و شناخت علل و انگیزه‌های تبهکاری و تبهکار

روان‌شناسی جنایی، تبهکار را در حکم بیماری می‌داند که تحت تأثیر عوامل درونی و شرایط و مقتضیات محلی به ناچار دست به ارتکاب جرم زده است. از این رو نیاز به درمان، اصلاح و ارشاد دارد؛ اگر درمان پذیر است چه بهتر وگرنه باید در مکان‌هایی چون بیمارستان، ندامتگاه، اردوگاه و ... دور از اجتماع نگهداری شود تا مجدداً زیان‌هایی را متوجه جامعه نسازد.

افلاطون فیلسوف بزرگ یونانی می‌گوید: «قانون‌گذار باید جنایتکاران را مانند بیمارانی که نیاز به مداوا دارند تلقی کند و به آنان یاد دهد که از ارتکاب مجدد جنایت خودداری کند. در جامعه نیک بخت، هیچ‌کس مایوس نیست حتی جانین» (کریمی، ۱۳۷۹: ۲۱۶).

ب) پیشگیری از وقوع احتمالی تبهکاری

به منظور بهسازی محیط زندگی جمعی باید با استفاده از شناسایی علل و انگیزه‌های تبهکاری، نسبت به پیشگیری آن اقدام کرد؛ زیرا پیشگیری همواره ساده‌تر، عملی‌تر و کم هزینه‌تر از درمان است. به بیان دیگر پیشگیری بهتر از درمان است.

افریکوفری جرم‌شناس ایتالیایی می‌گوید: «برای آنکه جرم‌ها تقلیل یابد و مبارزه با آن‌ها ثمربخش باشد، باید قبل از وقوع آن‌ها تدبیرهای اساسی و پیشگیری‌های لازم به عمل آید؛ زیرا بدون کمک روان‌شناسی جنایی پیشگیری از وقوع جرم و بازسازی مجرم میسر نیست.» (ستوده، ۱۳۷۸: ۲۱ تا ۲۵).

ج) بازپذیری اجتماع و تداوم زمان

به منظور پیشگیری و جلوگیری از بازگشت مجدد رفتار تبهکارانه و تلاش در سازگار کردن تبهکار با شرایط و مقتضیات اجتماعی و فرهنگی جامعه، باید اقدامات تأمینی را در نظر گرفت؛ زیرا هدف اصلی آن پیشگیری از ارتکاب جرم، بازسازی و بازپذیری اجتماعی تبهکاران است.

باید به موازات مجازات و اقدامات و تدابیر تدافعی و تأمینی که بیشتر جنبه تربیتی و حمایتی و کمک دارد روش‌های مناسب روان‌شناسی و تربیتی و درمانی و اصلاحی

برای تهذیب تبهکاران پیش‌بینی شود و تعمیم یابد (کی‌ینا، ۱۳۶۹: ۲۱۹).
 نیل به این هدف‌ها از دو طریق امکان دارد:

الف) از دیدگاه اجتماع: چون رفتار تبهکارانه، امنیت و ثبات اجتماع را به هم می‌زند؛ جامعه حق دارد با وسایل مختلف در صدد ریشه کن ساختن جرم و صیانت از خود، مجرم را مجازات کند. آنچه که قبل از هرچیز باید مورد توجه قرار گیرد کشف علل و انگیزه‌های جرم و اجرای عادلانه مجازات نسبت به تبهکار است. منظور از مجازات نیز باید تهذیب، اصلاح و تربیت فردی که هنجارها و ارزش‌های اجتماعی را نادیده گرفته است، باشد (ستوده، ۱۳۷۸: ۲۴).

ب) از دیدگاه مجرم: مطالعه و تحقیق در پیرامون علل و انگیزه‌های آشکار و پنهانی که مجرم را به ارتکاب جرم وا می‌دارد، ضروری است. باید بین دو مرحله یعنی (نفس متهم) و (نفس تبهکار) فرق گذارد؛ زیرا در حالت اول مقصود کشف براءت یا محکومیت متهم است، حال آنکه حالت دوم، کشف علل و انگیزه‌های جرم است که از روان ناخودآگاه مجرم ناشی شده است و بایستی به بررسی تجربه‌های دوران کودکی و شرایط محیطی و شیوه اجتماعی شدن و ویژگی‌های ساختاری خانواده‌ای که در آن رشد کرده و تربیت یافته است، پرداخت و نیز تأثیر این عوامل را در ارتکاب و درجه مسئولیت‌پذیری مجرم در جهت مجازات و کیفر یا اصلاح و درمان او تعیین کرد. بسیاری از متخصصان بالینی، ناتوانی احتمالی افراد ضد اجتماعی را در عبرت آموزی از تجربه، مورد تأکید قرار داده‌اند. ریچارد در سال ۱۹۳۷ این‌گونه افراد را «کودن‌های اخلاقی» نامیده است (دانش، ۱۳۷۲).

کلک لی، در بررسی‌های خود درمی‌یابد که افراد ضداجتماعی به ویژه در پند آموختن از تجارب تنبیه، دچار نارسایی بوده، در قضاوت و داوری ضعیف هستند، با این وجود افرادی فهمیده و هشیارند. در واقع اگر آنان از یک ضعف و نارسایی در آموختن رنج می‌برند، ممکن است مربوط به کمی دقت آنان باشد. یکی از مواردی که در زمینه ضعف یادگیری در افراد ضد اجتماعی مورد مطالعه واقع شده نارسایی‌های مربوط به یادگیری اجتنابی است (کریمی، ۱۳۷۹).

مشاهدات کلک لی به ویژه حاکی از آن است که افراد ضد اجتماعی در یادگیری اجتنابی دچار نارسایی هستند. افراد عادی به سرعت می‌آموزند که اوضاع و احوال را پیش‌بینی کنند و از موقعیت‌های تنبیه کننده بپرهیزند، اما افراد ضد اجتماعی شاید به دلیل کم انگیزگی و نگرانی پایین در چنین مواردی کوتاهی می‌ورزند.

دیدگاه روان‌شناسی پرخاشگری

روان‌شناسان اجتماعی سه نظریه عمده درباره علل و انگیزه‌های پرخاشگری، مورد تبیین قرار داده‌اند:

۱- نظریه زیستی پرخاشگری؛

۲- نظریه ناکامی - پرخاشگری؛

۳- نظریه یادگیری اجتماعی.

نظریه زیستی پرخاشگری

قدیمی‌ترین علت شناخته شده برای پرخاشگری حول این محور می‌چرخد که انسان‌ها از نظر ماهیت زیست شناختی، برای پرخاشگری برنامه‌ریزی شده‌اند. نخستین و معروف‌ترین نظریه در این باره مربوط به زیگموند فروید (۱۹۲۳) است.

فروید، کلیه اعمال آدمی را با دو غریزه زندگی و مرگ تحلیل می‌کند و می‌گوید: «غریزه مرگ هم باید به شکلی تخلیه شود یا به بیرون، به صورت پرخاشگری و خشونت در دیگرکشی؛ و یا به درون، به صورت اعمال خود تخریبی و خودکشی» (کریمی، ۱۳۷۹: ۲۲۳).

لوزنر (۱۹۶۶) نیز مانند فروید معتقد است که انسان و حیوان هر دو ذاتاً پرخاشگرند؛ با این تفاوت که حیوانات در طول تکامل خود و برای حفظ گونه خود به ساز و کارهایی دست یافته‌اند که تکانه‌های پرخاشگرانه آن‌ها را بر ضد گونه خود مهار می‌کند، حال آنکه در مورد انسان‌ها چنین نیست. از جمله ساز و کارها در حیوانات، رفتارهای آداب گونه آن‌ها به هنگام جنگ است که مانع از گسترش خشونت می‌شود؛ مثلاً گرگ هنگامی که ببیند حریفش قدر است بر زمین دراز می‌کشد و گلوش را نشان می‌دهد (کی‌ینا، ۱۳۶۹: ۲۲۵).

نظریه ناکامی - پرخاشگری

به باور جان دالرد و همکارانش، پرخاشگری همیشه پیامد ناکامی است و ناکامی همیشه منجر به پرخاشگری می‌شود؛ هیچ یک نمی‌تواند بدون دیگری صورت گیرند و هر چیزی که مانع رسیدن به هدف شود ناکامی را سبب می‌گردد.

نظریه ناکامی - پرخاشگری، به جای تأکید روی گرایش انواع آدم‌ها به پرخاشگری، به انواع وضعیت‌ها یا تجربه‌هایی که ممکن است پرخاشگری را در هر فردی رشد دهد، تأکید می‌کند.

خاستگاه ناکامی ممکن است در ساختار شخصیت فرد و یا در محیط خارجی وی باشد. شدت ناکامی متغیر است و شدت تمایل درونی به پرخاشگری نیز متفاوت است (ستوده، ۱۳۸۰).

نظریه یادگیری اجتماعی

نظریه یادگیری اجتماعی بر این حقیقت تأکید دارد که رفتار پرخاشگرانه مانند دیگر رفتارهای اجتماعی آموخته می‌شود. روان‌شناسان اجتماعی پافشاری می‌کنند که پرخاشگری یک رفتار اجتماعی است که در نتیجه پاداش و تنبیه و نیز از طریق تقلید از

الگوها آموخته می‌شود.

پرخاشگری چگونه شکل می‌گیرد؟

تحقیقات بروکووتیز (۱۹۸۶) نشان می‌دهد که مشاهده آلات و ابزار پرخاشگری در شخص مشاهده کننده، حالت پرخاشگرانه را برمی‌انگیزد. او عقیده دارد وجود محرک‌های خشونت و پرخاشگری، ارتباط مستقیمی با ارتکاب خشونت دارد و هر چه میزان حضور این محرک‌ها برای فرد بیشتر وجود داشته باشد، میزان خشونت و مبارزه‌جویی او نیز بیشتر خواهد شد (کریمی، ۱۳۷۹).

بروکووتیز بر این باور است که این سلاح‌ها در بسیاری از موارد و موقعیت‌ها با ارتکاب خشونت و جنایت ارتباط دارد، حتی اگر از آن‌ها استفاده نیز نشود. همین وجود آن‌ها در صحنه، تمایل شخص را به پرخاشگری و دست زدن به کارهای خلاف بیشتر می‌سازد.

آلبرت بندور (۱۹۶۱) در نظریه‌اش تحت عنوان پیشروی نظریه یادگیری اجتماعی، عقیده دارد که پرخاشگری نه تنها از طریق تجربه، بلکه با مشاهده رفتار دیگران مانند بسیاری از رفتارهای اجتماعی دیگر آموخته می‌شود (کریمی، ۱۳۷۹: ۲۱۰ تا ۲۱۵).

مهاجرت چیست؟

هرچند پژوهش حاضر متوجه بخشی از مهاجران است که در پدیده مجرمانه (سرقت‌های مسلحانه در تهران بزرگ، ۱۳۸۰) تأثیرگذار بوده‌اند، لیکن نباید به طور اعم مهاجران را مشکل‌زا دانست، چراکه بخش اعظمی از مهاجران در کشورها و همچنین کشورمان در ارتقای علم و دانش، ابداعات و اختراعات و ترویج و بالندگی اقتصادی سهم شایسته و به‌سزایی دارند و مباحث و افتخار دولت‌ها و جوامع را به ارمغان می‌آورند.

با اینکه آثار هر نوع مهاجرت در دگرگونی‌های اجتماعی کم و بیش مشابه است، اما از دیدگاه جرم‌شناسی، مهاجرت روستائیان به شهرها حایز اهمیت خاص است و در جوامع مختلف کنونی مخصوصاً در جهان سوم به صورت یک پدیده بغرنج اجتماعی درآمده است.

در کشورهای در حال توسعه، مهاجرت روستائیان به جوامع شهری در حقیقت انتقال فقر روستاها به شهرهاست. این توده‌های انبوه انسانی که در مرحله تحول از زندگی روستایی به شهری قرار می‌گیرند برای تطبیق، تثبیت وضع موجود خویش از نظر اقتصادی و اجتماعی، ناگزیرند در حاشیه شهرها زندگی کنند.

بررسی علل مهاجرت مورد توجه جامعه‌شناسان است. علت مهاجرت هرچه باشد محققان جامعه‌شناسی جنایی کوشیده‌اند تا صرفاً انواع مهاجرت را بر مبنای درون کوچی تبیین و آثار آن را در تقلیل یا فزونی بزهکاری در خاستگاه و مقصد جدید بررسی نمایند.

لئوته تحت عنوان «جنبش‌های جمعیت و جلای از وطن» می‌نویسد: «بعضی افراد اگر در زادگاه و محیط سنتی خویش پا بر جا می‌ماندند در برابر وسوسه‌های جرم انگیز بهتر می‌توانستند مقاومت ورزند و حال آنکه با جلای از وطن در برابر این گونه تحریکان شیطانی از پا درمی‌آیند و تسلیم می‌شوند» (دانش، ۱۳۷۲: ۲۷۳ - ۲۷۴).

ژولی از جامعه شناسان فرانسوی علل مهاجرت به پایتخت‌ها و کلان شهرها را به عنوان پر جمعیت‌ترین مناطق کشور موارد ذیل می‌داند: «گروهی برای تبهکاری یا اجرای یک عملی مجرمانه به مرکز کشور روی می‌آورند. گروهی از مهاجران در شهرستان‌های موطن خود، مرتکب اعمال شرم‌آوری شده‌اند و برای فرار از رسوایی، گمنامی و به منظور فراموشی به پایتخت روی می‌آورند.»
گروهی بدون سوء نیت به پایتخت و شهرهای بزرگ وارد شده، اما در اثر لذت طلبی، اغوا و فاسد شده‌اند.

آخرین گروه از کارگران بی‌احتیاط تشکیل شده که بیش از لزوم به پایتخت هجوم آورده‌اند و از دریافت اعانه بیکاری محرومند و مولد بزهکاری می‌گردند (کی‌نیا، ۱۳۶۹).

فروید دل‌بستگی را مقدمه بروز حالت خطرناک بیان کرده و معتقد است که «ثروتمند شدن مهاجران از نظر فراموشی غم غربت، به مثابه قرص مسکن و بیهوشی در دردهای شدید است و آثار روانی مهاجرت را از بین می‌برد».

به هر حال در ارتباط با ارتکاب جرایم، عوامل متعددی از آن جمله محیط جغرافیایی، محیط اجتماعی، وضعیت اقتصادی، نژاد و قومیت و پدیده گمنامی، دسترسی به منابع تسهیل کننده بزهکاری همچون سلاح و ... می‌توانند مؤثر باشند. تأثیر این عوامل در مهاجران و انحرافات اجتماعی آنان، بیش از افراد بومی می‌باشد. بالاخص پدیده گمنامی که در ذات مهاجرت نهفته است در بروز شرایط اقتصادی و در حال تحول انطباق می‌دهند. این مسئله البته بدان معنی نیست که لزوماً تمام مهاجران با عوامل اقتصادی تحریک شده و مهاجرت کرده‌اند، اما میزان بالای تحریک جغرافیایی و نیروی کار یک شرط لازم برای جوامع صنعتی و فراصنعتی است.

رابطه محیط جغرافیایی و اقلیمی با سرقت‌های مسلحانه

دانشمندان و فلاسفه از قرن‌های پیش میزان تطابق انسان را با آب و هوا، فصول، موقعیت زمین و منابع طبیعی مورد بحث قرار داده و تأثیر عوامل مذکور را در رفتار و کردار و اعمال گروه‌های انسانی تأکید کرده‌اند و معتقدند که اعمال و رفتار انسانی تا حد زیادی تابع خصوصیات محیطی است که او را دربرگرفته است.

تأثیر محیط در جامعه، پیوسته در حال تغییر است و این تغییرات ناشی از پیشرفت‌های فنی و توسعه صنعتی است که امکانات نوینی به وجود آورده و سطح زندگی را نیز بالا می‌برد و تحولات عمیقی در شرایط اقتصادی ایجاد می‌کند.

بقراط (۳۵۶-۶۱۰ قبل از میلاد) پزشک عالی‌قدر یونانی نخستین کسی است که اقلیم، فصول و آب و هوا را مؤثر در وضع زندگی بشر اعلام کرده است. منتسکیو دانشمند فرانسوی در کتاب «روح القوانين»، بر تأثیر محیط جغرافیایی در وضع جسمی و خصائل روانی انسان تأیید می‌کند. وی ساکنان نقاط سردسیر را بلغمی مزاج و بی‌حال و از لحاظ جسمانی نیرومند و اهالی مناطق گرمسیر را حساس، قانع، محجوب و کم‌کار توصیف کرده است (کی‌نیا، ۱۳۶۹: ۲۶۵).

رابطه محیط اقتصادی سرقت‌های مسلحانه

در جامعه‌ای که منشا بروز تمام اختلافات، منازعات و کشمکش‌های اجتماعی با توسل به سلاح انجام می‌شود و به کارگیری سلاح را به عنوان یک فرهنگ پذیرفته‌اند، طبعاً جوانان آن در طریق اعمال ضد اجتماعی همچون جرایم علیه اموال؛ استفاده از سلاح را در اولویت خود قرار داده و به پیروی و ناشی از فرهنگ اجتماعی خویش با روحیه خشونت نیز عجين می‌شوند (دانش، ۱۳۷۲).

بونگر دانشمند هلندی، تبهکاری و شرایط اقتصادی را در سال ۱۹۰۵ در آمستردام بررسی کرد و بیان داشت: «بین اوضاع و شرایط اقتصادی و ارتکاب جرم رابطه مستقیم وجود دارد و تحولات اقتصادی نوع جرایم را تغییر می‌دهد. با تحول اقتصاد صنعتی جرایم خشونت آمیز همچون قتل و سرقت‌های مسلحانه و سرقت‌های به عنف تبدیل به جرایم توأم با مکر و حيله و طرح و نقشه قبلی می‌گردد و بحران اقتصادی، نوسانات قیمت‌ها، وضع پول، تورم و بیکاری در ازدیاد جرایم مالی مخصوصاً سرقت مسلحانه تأثیر کلی دارد و با بهبود وضع اقتصادی جرایم علیه اموال تقلیل می‌یابد (همان منبع).

رابطه گمنامی در شهرهای بزرگ و پرجمعیت با سرقت‌های مسلحانه

نتیجه بررسی سازمان ملل پیرامون شهرنشینی در کشورهای در حال توسعه مانند ایران حاکی است: «شهرنشینی در تمام شئون زندگی تأثیر گذاشته و تغییراتی در نحوه توزیع جمعیت به وجود آورده و امکانات بیشتری برای قانون شکنی و جنایت فراهم کرده است».

شهرنشینی مجموعه گسترده‌تری از روابط اجتماعی در سطح جامعه به وجود آورده است که به صورت همبستگی غیرشخصی یعنی همبستگی‌های اجتماعی درآمده و خرده فرهنگ‌هایی ایجاد کرده که این خرده فرهنگ‌ها و دیگر پدیده‌های شهرنشینی برای کنترل رفتار انسان دشواری‌هایی به وجود آورده است. شهرنشینی امکاناتی فراهم کرده که پاره‌ای از افراد بتوانند به جنایات متعددی دست زده و از چنگال قانون فرار کنند؛ زیرا احتمال دستگیر شدن در شهرهای بزرگ کمتر است. از طرف دیگر در شهرهای بزرگ، مظاهر ثروت و فقر در کنار یکدیگر دیده می‌شوند؛ همچنین تغییرات

سریع در شئون زندگی اجتماعی و ستیز بین نقش‌ها و هنجارهای اجتماعی و فرهنگی و روزافزون جمعیت و رهایی مردم از کنترل‌های رسمی و اجتماعی عدم تجانس گروه‌های مختلف به جهت مهاجرت‌های زیاد روستائیان و شهرهای کوچک و محروم و انبوهی جمعیت، به همراه رهایی افراد از تسلط عاطفی گروه‌های وابسته و نزدیک و افزایش اختلاف طبقاتی در اجتماع و ایجاد تخصص‌ها و دور بودن محل کار از محل سکونت افراد و تنوع وظایف، جدایی مردم از یکدیگر را به صورت یک واقعیت اجتماعی درآورده و باعث شده است که افراد در گمنامی باقی بمانند و تحت این شرایط اجتماعی کنش‌های متقابل اجتماعی بالاخص در میان مهاجران که در حاشیه شهرها و مناطق فقرنشین سکونت می‌یابند به رنگ خشونت آمیخته شده و به صورت رفتار مطلوب در میان آنان نمایان گردد (فرجاد، ۱۳۷۶: ۱۹۵ تا ۲۰۸).

رابطه هوش با سرقت‌های مسلحانه

یکی از مواردی که در زمینه ضعف یادگیری در افراد ضد اجتماعی مورد مطالعه واقع شد نارسایی‌های مربوط به یادگیری اجتنابی است.

مطالعات «کلک لی» حاکی از آن است که افراد ضد اجتماعی در یادگیری اجتنابی دچار نارسایی هستند. افراد عادی به سرعت می‌آموزند که اوضاع و احوال را پیش‌بینی کنند و از موقعیت‌های تنبیه‌کننده بپرهیزند، اما افراد ضد اجتماعی مانند سارقان مسلح به جهت ضعف در یادگیری و همچنین کم‌انگیزگی و دلواپسی پایین، در چنین مواردی قصور می‌ورزند.

موضوع دیگری که در زمینه نارسایی‌های یادگیری و هوشمندی و ضعف در فراگیری مهارت‌های تطابقی در افراد ضد اجتماعی، بررسی شده فوریت نتایج است؛ بدین معنی که هر قدر فاصله زمانی بین یک رفتار و نتایج حاصل از آن بیشتر باشد، ادراک ارتباط بین آن رفتار و نتایج آن مشکل‌تر است.

روش تحقیق

پژوهنده با توجه به زمان‌های معین در وقوع سرقت‌های مسلحانه در تهران بزرگ که یک واقعه پس رویدادی تلقی می‌شود و برای اینکه بتواند علل موجه این‌گونه جرایم را که مجرمان آن، به جهت دارا بودن حالت‌های خطرناک و خشونت بار از سلاح بهره می‌گیرند بهتر بشناساند؛ بر آن شد تا آن را با علل موجه یکی از جرایمی که فاقد آثار خشونت بار است؛ تطبیق و قیاس نموده و با مقایسه، علل موجه آن‌ها را کشف و زمینه‌های وقوع جرم خشن و جرم غیرخشن در مجرمان را به عنوان یافته‌های علم ارائه کند. طبعاً محقق در این تحقیق از روش علی - مقایسه‌ای بهره‌جسته و از طریق تعیین یک نوع جرمی که فاقد آثار خشونت بار باشد و مضافاً امکانات و ابزار دسترسی به آن نیز فراهم باشد، انواع جرایم غیرخشن (جعل، سرقت عادی و وسایل نقلیه،

کلاهبرداری و سرقت‌های عادی منازل و مغازه) شناسایی و سپس به روش تصادفی، بزه کلاهبرداری تعیین شد و بدین وصف در روش اجرای تحقیق (علی - مقایسه‌ای) یک جامعه آماری از کلاهبرداران دستگیر شده در مدت مشابه نیز احصا گردیده‌اند تا با سنجش فراوانی‌های مهاجران به دو نوع جرم خشن و غیرخشن علل موجهه و تأثیرگذار در گرایش مهاجران به سرقت‌های مسلحانه به عنوان جرایم خشن و به بزه کلاهبرداری به عنوان یکی از جرایم غیرخشن استخراج و مورد استنتاج واقع شد.

جامعه آماری و حجم جامعه

در تحقیق حاضر، جامعه آماری شامل سارقان مسلح و کلاهبرداران دستگیر شده در سال ۱۳۸۰ است که در سال مذکور در تهران بزرگ مرتکب جرم سرقت‌های مسلحانه و کلاهبرداری شده بودند. جامعه آماری سارقان مسلح ۴۶ نفر و جامعه آماری کلاهبرداران ۲۳۸ نفر بوده‌اند. هر دو جامعه فوق مربوط به متهمانی بوده که به جرم خود اعتراف کرده و محکومیت یافته و یا در انتظار حکم نهایی بوده‌اند و از نظر قانونی مجرم تلقی شده‌اند.

روش نمونه‌گیری

نظر به محدودیت حجم جامعه آماری سارقان مسلح در سال ۱۳۸۰ که ۴۶ نفر می‌باشند، ضرورتی بر نمونه‌گیری از جامعه مزبور احساس نگردید و حجم جامعه کل شماری شده است.

همه حجم جامعه سارقان مسلح دستگیری شده در سال ۱۳۸۰ به عنوان حجم نمونه نیز تلقی گردید، لیکن به جهت گستردگی جامعه آماری کلاهبرداران در مدت مشابه که ۲۳۸ نفر بوده‌اند حجم نمونه‌ای از جامعه مذکور به تعداد جامعه سارقان مسلح با روش استفاده از جداول اعداد تصادفی تعیین شد.

فرضیه‌های تحقیق

- ۱- میزان شیوع سرقت مسلحانه در بین مهاجران، پیش از مهاجران است.
- ۲- محیط جغرافیایی و اقلیمی مهاجران در گرایش افراد به سرقت‌های مسلحانه نقش دارد.
- ۳- بین بافت قومی و فرهنگی و گرایش افراد به سرقت‌های مسلحانه رابطه وجود دارد.
- ۴- بین گمنامی و سرقت مسلحانه ارتباط وجود دارد.
- ۵- طراز پایین هوشی در گرایش به سرقت‌های مسلحانه نقش دارد.

روش جمع‌آوری اطلاعات و آزمون فرضیه‌ها

پژوهشگر از فن مصاحبه و پرسشنامه و بررسی اسناد و مدارک و منابع کتابخانه‌ای و آزمون هوش به عنوان ابزار اصلی در اندازه‌گیری، بهره جست و پرسش‌های تحقیق را با روش کمی کردن و با مصاحبه و مذاکره با متخصصان علوم جنایی و امور اجرایی همچون افسران جنایی و با صاحبان دانش و تحقیق تنظیم کرده و نتایج تحقیق به شرح جداول زیر حاصل شده است.

برای آزمون فرضیه اول تحقیق که ادعا می‌کرد «میزان شیوع سرقت مسلحانه در بین مهاجران بیش از غیرمهاجران است» ابتدا فراوانی مهاجران و غیرمهاجران دو گروه محاسبه و در جدول زیر درج شد:

جدول شماره ۱ - فراوانی مهاجران و غیرمهاجران دو گروه

گروه	مهاجر	غیرمهاجر	جمع
کلاهبرداران	۱۶	۳۰	۴۶
سارقان مسلح	۲۹	۱۷	۴۶
جمع	۴۵	۴۷	-----

فراوانی‌ها مندرج در جدول بالا با استفاده از آزمون آماری X^2 (کای اسکوئر) مورد مقایسه قرار گرفتند. نتایج حاصل نشان داد که بین فراوانی‌های مشاهده شده و مورد انتظار در سطح $P < 0/0001$ تفاوت آماری معنی داری وجود دارد. بنابراین، فرضیه نخست با احتساب ۱ درصد خطا مورد تایید قرار می‌گیرد. از همین روی، می‌توان نتیجه گرفت که میزان شیوع سرقت مسلحانه در بین مهاجران بیش از غیرمهاجران است. تایید این فرضیه یادآور نظریه «ژولی» جامعه شناس معروف فرانسوی است که در ارتباط با مهاجران، ظن بروز حالت و ارتکاب جرایم خشن را برای آنان پیش بینی کرده بود و در خصوص مهاجران جوان نیز مطرح کرده بود «که جوانان مهاجر به امید تحقق آمال و آرزوهای خویش، زادگاه خود را ترک می‌کنند غم‌انگیزترین و جنون آمیزترین سرنوشت را رقم می‌زنند» (ستوده، ۱۳۸۰: ۱۷۵).

جدول شماره ۲- توزیع فراوانی و فراوانی نسبی دو گروه سارقان مسلح و کلاهبرداران دستگیر شده در سال ۸۰ بر حسب موطن

کلاهبرداران		موطن	سارقان مسلح		موطن
فراوانی نسبی یا درصد فراوانی P	فراوانی N		فراوانی نسبی یا درصد فراوانی P	فراوانی N	
۶۶	۳۰	تهران بزرگ	۳۷	۱۷	تهران بزرگ
۷	۳	خوزستان	۱۵	۷	همدان
۳۴/۴	۲	آذربایجان شرقی	۱۳	۶	لرستان
۱۷/۲	۱	استان تهران	۸	۴	مرکزی
۲	۱	همدان	۷	۳	ایلام
۲	۱	گیلان	۴	۲	کرمانشاه
۲	۱	کرمان	۴	۲	خراسان
۲	۱	سیستان و بلوچستان	۴	۲	اردبیل
۲	۱	فارس	۲	۱	آذربایجان شرقی
۲	۱	قزوین	۲	۱	مازندران
۲	۱	اصفهان	۲	۱	گیلان
۲	۱	مازندران	_____	_____	_____
۲	۱	سنگال	_____	_____	_____
۲	۱	لبنان	_____	_____	_____
۱	۴۶		۱	۴۶	جمع

در فرضیه دوم، رابطه محیط جغرافیایی و اقلیمی با سرقت مسلحانه با احصا چهار نوع اقلیم جغرافیایی و آب و هوایی، مورد بررسی قرار گرفت. در ابتدا فراوانی‌های مشاهده شده و مورد انتظار، احصا و با آزمون X^2 (خی ۲)، فراوانی‌ها مورد مقایسه قرار گرفت و نتیجه حاصله نشان داد که X^2 محاسبه شده در سطح $P < 0/0001$ برابر است $24/78$ است که بزرگ‌تر از X^2 استاندارد است و نتیجه گرفته شد که «میزان گرایش به سرقت مسلحانه در بین شهروندان اقلیم سرد و کوهستانی بیش از اقلیم‌های دیگر است».

«تایید فرضیه دوم تحقیق، صحه بر نظرات دانشمندان بزرگی همچون بقراط،

منتسکیو، کتله و ... می‌باشد. این دانشمندان بیان داشته‌اند: «محیط جغرافیایی در پیشرفت و ترقی و یا برعکس در بروز حالت خطرناک و وقوع جرایم مؤثر است و آب و هوا و رطوبت و فشار هوا را در ارتکاب انواع جرایم مؤثر می‌داند و معتقدند وقتی فشار هوا کم می‌شود (مناطق سرد کوهستانی) جرایم خشونت آمیز افزایش می‌یابد و برعکس رطوبت هوا زیادتر می‌گردد جرایم توأم با خشونت کمتر اتفاق می‌افتد» (کی‌ینا، ۱۳۶۹: ۳۱۰).

برای فرضیه سوم تحقیق که ادعا می‌کرد «محیط جغرافیایی و اقلیمی در گرایش افراد به سرقت‌های مسلحانه نقش دارد». ابتدا فراوانی‌های مشاهده شده و مورد انتظار سارقان مسلح در چهار نوع اقلیم جغرافیایی و آب و هوایی محاسبه و در جدول زیر درج شد.

جدول شماره ۳- فراوانی‌های مشاهده شده از تنوع اقلیم موطن سارقان مسلح دستگیر شده در سال ۱۳۸۰ در تهران بزرگ که مرتکب جرم سرقت مسلحانه شده بودند و مورد انتظار به تفکیک اقلیم

اقلیم	فراوانی مشاهده شده (O)	فراوانی مورد انتظار (E)
سرد کوهستانی	۲۳	۱۱/۵
خشک کوهپایه‌ای	۱۶	۱۱/۵
گرم و خشک	۵	۱۱/۵
مرطوب	۲	۱۱/۵
جمع	۴۶	

فراوانی‌های مندرج در جدول بالا با استفاده از آزمون X^2 (خی ۲) مورد مقایسه قرار گرفت. نتایج حاصل نشان داد که X^2 محاسبه شده در سطح $P < 0.001$ (بزرگتر از $X^2 = 24/78$) استاندارد است. بنابراین، فرضیه سوم تحقیق، تایید می‌شود بر همین اساس می‌توان نتیجه گرفت که میزان سرقت مسلحانه در بین شهروندان اقلیم سرد و کوهستانی بیش از اقلیم‌های دیگر است.

توصیف جدول قانون توزیع فراوانی جمعی مطلق و نسبی سارقان مسلح و کلاهبرداران دستگیر شده تهران بزرگ سال ۱۳۸۰ برحسب محیط جغرافیایی و اقلیمی.

۵۰ درصد از سارقان دستگیر شده در سال ۱۳۸۰ در تهران بزرگ در محیط جغرافیایی و اقلیمی سرد کوهستانی می‌زیسته‌اند و ۲۵ درصد از آنان در مناطق جغرافیایی و اقلیمی خشک کوهپایه‌ای و صرفاً ۱۵ درصد از آن‌ها در مناطق گرم و خشک و مرطوب بوده‌اند و بدین‌وصف تأثیر خاص مناطق جغرافیایی و اقلیمی سرد

و کوهستانی بر روی سارقان به عنوان مؤلفه ایجاد خشونت، کاملاً محرز است و حال آنکه تأثیر مناطق جغرافیایی کوهستانی و سرد در کلاهبرداران دستگیر شده صرفاً ۱۱ درصد است.

برای فرضیه چهارم تحقیق که ادعا می‌کرد «بین بافت قومی و فرهنگی و گرایش به سرقت مسلحانه رابطه وجود دارد» ابتدا فراوانی‌های مشاهده شده و مورد انتظار سارقان مسلح به تفکیک قومیت محاسبه و در جدول زیر درج گردید.

جدول شماره ۴- فراوانی مشاهده شده و مورد انتظار سارقان به تفکیک قومیت

قومیت	فراوانی مشاهده شده (O)	فراوانی مورد انتظار (E)
لر	۱۹	۷/۷
کرد	۱۰	۷/۷
فارس	۸	۷/۷
ترک	۵	۷/۷
گیلک	۲	۷/۷
سایر	۲	۷/۷
جمع	۴۶	

فراوانی‌های مندرج در جدول بالا با استفاده از آزمون آماری (خی ۲) مورد مقایسه قرار گرفتند و نتایج حاصل نشان داد که X^2 محاسبه شده ($X^2=27/04$) در سطح $P<0/0001$ بزرگتر از X^2 استاندارد است. بنابراین، می‌توان نتیجه گرفت بین قومیت و میزان گرایش به سرقت مسلحانه رابطه وجود دارد به تعبیر دیگر میزان گرایش لرها و کردها به سرقت مسلحانه بیش از اقوام دیگر است.

ادعای محقق در تبیین فرضیه پنجم «دسترسی به سلاح موجب گرایش به سرقت‌های مسلحانه می‌شود» تفاوت معنی داری مبتنی بر سوال‌های مفروض حاصل نشد و فرضیه یاد شده مورد قبول واقع نشد.

فرضیه ششم تحقیق که «رابطه گمنامی و سرقت مسلحانه را مطرح کرده بود» با استفاده از آزمون آماری T مورد مقایسه قرار گرفت و نتایج حاصل نشان داد که بین T محاسبه شده ($T=15/94$) و T استاندارد ($T=2/61$) در سطح $P<0/0001$ تفاوت آماری معنی داری وجود دارد. بدین طریق به اثبات رسید که گمنامی در گرایش به سرقت مسلحانه نقش دارد که نمایانگر اظهارنظر جامعه شناس سیاسی، مانند رابرت گراست که بیان کرده بود: «مجرمان خشن مانند سارقان مسلح و یا تروریست‌ها و خرابکاران برای سهولت در فرار از دست نیروهای دولتی و ممانعت از شناسایی و

اجتناب از درگیری با پلیس به شهرهای بزرگ و پرجمعیت مهاجرت می‌نمایند تا از مزایای گمنامی و ناشناختگی، بهره کافی ببرند» (ستوده، ۱۳۸۰: ۲۵۱).

برای بررسی رابطه گمنامی و سرقت مسلحانه، ابتدا میانگین و انحراف معیار نمرات دو گروه سارقان مسلح و کلاهبرداران در موارد مربوط به گمنامی محاسبه و در جدول زیر درج گردید:

جدول شماره ۵- میانگین و انحراف معیار نمرات دو گروه در موارد گمنامی

گروه	تعداد N	میانگین M	انحراف معیار G
سارقان مسلح	۴۶	۳/۶۰	۰/۲۹
کلاهبرداران	۴۶	۲/۴۹	۰/۳۷

و بالاخره رابطه بین طراز هوشی با گرایش به سرقت مسلحانه به عنوان فرضیه آخر، با «مقیاس هوشی ریون» محاسبه و نتیجه گرفته شد که طراز هوشی سارقان مسلح به صورت معنی داری کمتر از هوش کلاهبرداران است؛ تایید فرضیه مزبور، یادآور دیدگاه‌های متخصصان بالینی در جرم شناسی مانند «ریچارد» و «کلک لی» است که ریچارد افراد ضد اجتماعی را به عنوان «کودن‌های اخلاقی» نامید و بیان داشته که کودن‌های اخلاقی از یک ضعف و نارسایی در آموختن رنج می‌برند».

«کلک لی» نیز بیان کرد: «افراد ضد اجتماعی در یادگیری اجتنابی، دچار نارسایی هستند و سارقان مسلح به جهت ضعف در یادگیری و همچنین کم انگیزگی و دلوپسی پایین در چنین مواردی قصور می‌ورزند» (ستوده، ۱۳۸۰: ۲۲۰).

برای بررسی یا آزمون فرضیه هفتم تحقیق که ادعا می‌کرد: «طراز پایین هوشی در گرایش به سرقت مسلحانه نقش دارد» ابتدا میانگین و انحراف معیار نمرات آزمودنی‌های دو گروه (سارقان مسلح و کلاهبرداران) در مقیاس هوشی ریون محاسبه و در جدول زیر درج گردید.

جدول شماره ۶- میانگین و انحراف معیار نمرات دو گروه در آزمون هوشی

گروه	تعداد N	میانگین X	انحراف معیار S
سارقان مسلح	۴۶	۸/۲	۳/۴
کلاهبرداران	۴۶	۱۳/۱	۵/۶
جمع	۹۲		

میانگین‌های مندرج در جدول بالا با استفاده از آزمون آماری t مورد مقایسه قرار گرفتند، نتایج حاصل نشان داد که بین t محاسبه شده، $(t=۳/۳۸)$ و t استاندارد $(t=۲/۶۱)$ تفاوت آماری معنی داری وجود دارد. بنابراین، از این یافته می‌توان نتیجه گرفت که طراز هوشی سارقان مسلح به صورت معنی داری کمتر از هوش کلاهبرداران است. بنابراین، فرضیه آخر تحقیق با احتساب ۱ درصد خطا تایید می‌شود.

نتایج تحقیق

- ۱- میزان شیوع سرقت‌های مسلحانه در بین مهاجران بیش از غیر مهاجران است.
- ۲- بین پدیده گمنامی و میزان سرقت مسلحانه رابطه معنی داری وجود دارد.
- ۳- عوامل اقلیمی و جغرافیایی در میزان گرایش به سرقت نقش دارند.
- ۴- عوامل فرهنگی و قوم شناختی در گرایش به سرقت‌های مسلحانه نقش دارند.
- ۵- بین طراز هوشی و میزان سرقت‌های مسلحانه رابطه معنی دار وجود دارد.

پیشنهاد‌های تحقیق

محقق در این بخش، پیشنهاد‌های خود را که صرفاً حاصل دستاوردهای همین تحقیق است، ارائه می‌دهد و از ارائه پیشنهادی که خارج از نتایج محصله در تحقیق باشد خودداری می‌نماید. در انجام کلی این تحقیق برای پژوهشگر، محدودیت یا محدودیت‌هایی که او را با مانع خاصی مواجه نماید وجود نداشته لیکن مراجعه‌های مکرر و عدیده به واحدهای اجرایی و کمبود منابع کتابخانه‌ای و تنگی زمان از مؤلفه‌های کندکننده در روند تحقیقات محسوب شود.

با این وجود، مطابق جمیع تحقیقات به عمل آمده بر پایه فرضیه‌های آزمون شده که محقق باید بتواند پیشنهاد‌هایی را در پیشگیری یا حداقل کاهش سرقت‌های مسلحانه مطرح کند. به نظر می‌رسد همه در این امر موافقت دارند که اقدامات پیشگیری از وظایف خدمات عمومی است و طبعاً پیشگیری از تبهکاری نیز صرفاً نمی‌توانند محصور در صلاحیت پلیسی باشد، چون سازمان‌های متعددی باید به موازات هم تلاش هماهنگی را به ظهور برسانند تا امر پیشگیری از بزهکاری، از جمله بزهکاری مسلحانه حاصل گردد. علی‌رغم اثربخشی خط مشی اعمال قدرت توسط پلیس، این شیوه نمی‌تواند به تنهایی عامل تغییر جدی در ناهنجاری‌های اجتماعی محسوب شود و به عبارت دیگر با اقدامات صرف پلیسی و اتکا به قوه قهریه و جبر، نمی‌توان به حل تعارض‌های اجتماعی پرداخت. اگرچه این خط مشی‌ها در کوتاه مدت اثربخشی نسبتاً زیادی دارند، ولی از جنبه‌های مختلف، انکار ارزش انسانی است و لزوماً فرض در با هوش و عاقل بودن مردم باید باشد که هریک در محدوده فرهنگ خاص خود محصورند و پاسخ‌ها و الگوهای رفتاری معینی دارند که مبتنی بر نگرش‌ها، ارزش‌ها، سنت‌ها و روابط با دیگران است.

محقق در امر نهادینه شدن موضوع پیشگیری از سرقت‌های مسلحانه و مهاجرت، الگوی زیر را پیشنهاد کند:

در هر استانی یک کمیته سیاست‌گذاری جرم منطقه‌ای، متشکل از جامعه‌شناسان، روان‌شناسان، آسیب‌شناسان، حقوق‌دانان، متولیان اجرایی و سازمان‌های خدماتی و عمومی ایجاد و در سطح کشور نیز یک شورای عالی سیاست‌گذاری جنایی زیر نظر یک مقام عالی به صورت هدفمند تشکیل شود تا بتواند تصمیمات متخذه را در کمیته‌های مزبور اجرا و کاربردی کند.

در واقع در کنار نیروهای پلیس، به عنوان یک عامل مؤثر تغییر، کلیه سازمان‌هایی که متولی امور خدماتی در جامعه هستند باید به عنوان دیگر عوامل تغییر، کوشا باشند و میان عالمان اجتماعی و صاحب‌نظران و صاحبان دانش و تجربه و وزارتخانه‌ها و سازمان‌های خدمات عمومی با نیروی پلیس، یک نظام ارتباط تخصصی و تشریک مساعی و متضمن روابط پشتیبانی به وجود آید تا در زمینه‌های گوناگون ناهنجاری، سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی کنند و تصمیمات متخذه را اجرایی و عملیاتی نمایند.

در ضمن لحاظ موارد ذیل به عنوان مؤلفه‌های تأثیرگذار و عوامل تغییر در پیشگیری از سرقت‌های مسلحانه به طور اعم و پیشگیری از سرقت‌های مسلحانه توسط مهاجران به طور اخص، ارائه می‌شود:

پیشنهاد‌های کلی و اجتماعی:

- تقلیل گرایش افراد در مهاجرت به تهران بزرگ با تأمین نسبی اقتصادی و اجتماعی، درمانی، شغلی و حرفه‌ای و پرورشی و آموزشی و رفاهی در مناطق مهاجرخیز بالاخص در مناطق محرومی که از آب و هوای سرد و کوهستانی برخوردار است همچون استان‌های غربی کشور.

- تلاش فرهنگی در تغییر و تحول گستره قومیت‌هایی که سلاح برای آنان قداست خاص دارد.

براساس واقعیات موجود در کشورهای سنتی و یا در حال توسعه، قومیت‌هایی وجود دارند که در گستره فرهنگی آنان، سلاح سمبل دفاع و نماد برپایی جشن‌ها و عزاست. نسل جوان در این قومیت‌ها با دور شدن از قداست سلاح در فرهنگ عشیره‌ای، گاهی از آن در تسویه حساب‌های شخصی و اعمال مجرمانه و جرایم خشن همچون قتل و سرقت‌های مسلحانه بهره می‌گیرند که لازم است تلاش فرهنگی با بهره‌گیری از تمام ظرفیت‌های ملی از در اختیار قرار گرفتن این گونه سلاح‌ها برای نسل جوان که با هدف مجرمانه به کلان شهرها مهاجرت می‌کنند، ممانعت شود. از سویی دولت سلاح‌های در اختیار افراد مسلح را کنترل و شناسنامه دار

- نماید. همچنین می‌توان از قابلیت‌ها و ظرفیت‌های آنان در قالب نیروهای شبه نظامی و بسیج عشائری نیز استفاده کرد.
- پیشنهاد به دولت در تلاش در خروج از تمرکز زدایی، امور رفاهی، اجتماعی، خدماتی، آموزشی و سرمایه‌ای در تهران بزرگ از طریق انتقال بسیاری از سازمان‌ها و وزارت‌خانه‌ها به دیگر مراکز استان‌های کشور، که تحقق این مهم، می‌تواند از گسترده جغرافیایی و جمعیتی تهران بزرگ بکاهد و زمینه ترغیب مهاجران در مراجعت به موطن‌شان را فراهم آورد.
- دولت در تعامل با کشورهای همجوار و دیگر کشورهای پیشرفته با تصویب معاهده‌های همکاری در اعزام جویندگان کار به آن کشورها اقدام نماید.
- پیشنهاد مجدد به دولت جهت صدور کارت شناسایی شهروندی با کدهای شناسایی و اخذ اثر انگشت از آنان.

کتابنامه

- امام خمینی (۱۳۶۱)، *صحیفه نور*، تهران، انتشارات مرکز مدارک انقلاب اسلامی
- دانش، تاج زمان (۱۳۷۲)، *مجرم کیست؟ جرم شناسی چیست؟* تهران: انتشارات کیهان
- دهخدا، علی اکبر (۱۳۷۳)، *لغت‌نامه دهخدا*، تهران: انتشارات امیرکبیر
- ستوده، هدایت ... (۱۳۷۸)، *روانشناسی اجتماعی*، تهران: انتشارات آوای نور
- ستوده، هدایت ... (۱۳۸۰)، *آسیب شناسی اجتماعی*، تهران: انتشارات آوای نور
- شیخاوندی، داود (۱۳۴۵)، *آسیب شناسی اجتماعی (پرخاشگری انسان)*، تهران: انتشارات مرندیز
- فرجاد، محمدحسین (۱۳۷۲)، *آسیب شناسی اجتماعی و جامعه شناسی انحرافات*، تهران: نشر بدر.
- قربانی، فرج ... (۱۳۷۲)، *مجموعه کامل قوانین و مقررات جزائی*، تهران: انتشارات دانشور
- کریمی، یوسف (۱۳۷۹)، *روانشناسی اجتماعی*، تهران: نشر ارسباران
- کی نیا، مهدی (۱۳۶۹)، *مبانی جرم شناسی*، تهران: انتشارات دانشگاه تهران
- منتسکیو، شارل (۱۳۲۴)، *روح القوانین*، ترجمه علی اکبر مهدی، تهران: انتشارات علمی.
- Berekowitz, L. (1989). *Impulse, aggression and the gun*. Psychology Today. 2(4), P:
- Lorenz, K.(1966) . *on aggression*, New York: Hart court, Brace and world